

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)

سال دوازدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴، پیاپی ۲۵

## بررسی لغزش‌های مترجمان در دو آیه مربوط به شکل‌گیری ابر، باران و تگرگ

محمدحسن رستمی<sup>۱</sup>

معصومه شاهین پور<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۲/۰۸

تاریخ تصویب: ۹۳/۰۷/۲۷

### چکیده

لغزش‌های یابی و لغزش‌زدایی از آثار ارزشمند مترجمان در راستای به‌گزینی و هرچه نزدیکتر ساختن کلام وحی به زبان فارسی و انتقال دقیق‌تر پیام قرآن به پارسی‌زبانان ضرورتی انکارناپذیر است. این جستار با گزینش دو آیه به صورت نمونه از آیات علمی قرآن که بیانگر جزئیات تشکیل ابر و باران و تگرگ می‌باشند، بر آن شده تا با ورود به مباحث و گزاره‌های علمی قرآن در حوزه زیست‌شناخت و بررسی ترجمه این آیات، به لغزش‌های برخی مترجمان فارسی‌زبان

rostami@um.ac.ir

<sup>۱</sup> - استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) shahinpoorm@yahoo.com

در این مورد پیردازد و سپس بیان کند که با استفاده از اصولی مشخص، می‌توان این لغزش‌ها را برطرف کرد و ترجمه بهتری ارائه داد. بر این اساس در این مقاله به بررسی برخی از ترجمه‌های معاصر با بهره‌گیری از ابزار و منابع اساسی همچون؛ لغت، دانش تفسیر و علوم تجربی پرداخته شده و بر مبنای آن میزان هماهنگی ترجمه‌ها با این منابع متفاوت ارزیابی شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، برخی از این ترجمه‌ها دقت و توجه کافی در استفاده از این منابع مبذول نداشته‌اند که می‌توان برای برطرف کردن ابهام آیات، از توضیحات اضافی صحیح علمی با استفاده از اصول و ضوابط ترجمه بهره برد.

**واژه‌های کلیدی:** ترجمه، زیست‌شناسی، اعجاز علمی، ابر، باران، تگرگ.

## مقدمه

نگارش ترجمه‌های قرآن در طول تاریخ اسلام، سیر تکاملی داشته و با روش‌ها، سبک‌ها و مبانی گوناگون، گاه مطلوب و گاه غیر مطلوب همراه با لغزش‌هایی صورت گرفته که لازم است این موارد بازشناسی شوند تا چراغ راه مترجمان آینده باشد. اگر ترجمه ضرورتی است غیر قابل انکار و اگر تطابق کامل این اصل و بدل نیز امری است محال؛ پس عقل چنین حکم می‌کند که بدل را به اصل گوهر خویش هرچه بیشتر شبیه سازیم، اختلاف را به حداقل ممکن برسانیم. اما این کار، کاری بس خطیر است، چون بشر از خطا و لغزش به دور نیست، ترجمه‌ها را باید در بوته نقد نهاد و باید کسانی باشند که مشکلات این امر را سنجیده و عقده‌های آن را بگشایند؛ چراکه به گفته سعدی شیرین سخن «متکلم را تا کسی عیب نگیرد، سخنش صلاح نپذیرد».

کتابهای زیادی درباره نکات قرآن سامان یافته است. در کتابشناسی جهانی قرآن کریم در این خصوص سی و شش کتاب معرفی شده و به سی و پنج مأخذ به زبان‌های فارسی،

عربی و لاتین ارجاع داده شده است.<sup>۱</sup> صدها مقاله گوناگون نیز درباره ترجمه قرآن کریم سامان یافته<sup>۲</sup> که نشان می‌دهد شروع جدی پژوهش‌های مربوط به ترجمه‌های قرآن کریم به حدود پنجاه سال پیش بازمی‌گردد. در آثار پیشینیان، ترجمه‌های قرآن کریم به نقادی گرفته نشده است؛ بلکه نقادی ترجمه‌های قرآن با توجهی که نکته سنجان و ادیبان و نقادان در چند دهه اخیر بدان مبذول داشته‌اند، پا به عرصه علمی نهاده و یکی از مباحث داغ و پرشور مقالات قرآنی گردیده است. نقدهایی که تاکنون صورت گرفته، یا بخشی از ترجمه مورد نظر یا تمام آن را موضوع نقد خویش قرار داده‌اند.

اما در خصوص اینکه ترجمه‌های معاصر به صورت عام و موضوعی، مانند آیات علمی و موضوع زیست‌شناسی بررسی شوند، تا به حال تحقیقی صورت نگرفته است. تنها مبحثی را آقای محمدعلی رضایی اصفهانی که چندین کتاب درباره اعجاز علمی قرآن نگاشته‌اند؛ در یکی از کتاب‌های خود به نام منطق ترجمه قرآن با تأکید بر نقش دانش تجربی به بررسی ترجمه‌های چند آیه علمی پرداخته‌اند.

بررسی جامع ترجمه آیات علمی نیز اقتضا می‌کند که این دسته از آیات در حوزه‌های مختلف قرار گیرد و عملکرد مترجمان در این حوزه‌ها ارزیابی شود. یکی از این حوزه‌ها که قرآن کریم به آن نیز توجه فراوان نموده و در آیات متعددی از آن یاد کرده است، پدیده‌های مربوط به حیات و محیط زیست می‌باشد. کوه‌ها، دریاها، گیاهان، جانوران، ابرها، باران و صدها پدیده طبیعی دیگر، آیات و نشانه‌هایی هستند که بشر را به شناخت باری تعالی و کشف راز خلقت هدایت می‌کنند.

اینک ما بر آن شدیم برای شناخت و ارزیابی بهتر ترجمه این دسته از گزاره‌های علمی به طور نمونه به بررسی مراحل شکل‌گیری ابر، باران و تگرگ در دو آیه از قرآن کریم در ۸ ترجمه فارسی معاصر پرداخته و میزان توجه و دقت آن‌ها را با توجه به مباحث

۱- جهت کسب اطلاعات بیشتر ر.ک: (مسجد جامع، احمد، ۱۳۸۶ش)، مدخل «ترجمه»، کتابشناسی جهانی قرآن کریم، سرویراستار محمد سمیعی، قم: مؤسسه اطلاع‌رسانی اسلامی مرجع، ج ۱، ص ۳۰۵-۳۱۱.

۲- جهت کسب اطلاعات بیشتر ر.ک: (حجت، هادی، ۱۳۷۹ش)، عبار نقد بر ترجمان وحی، تهران: نشر فرهنگ (گستر).

واژه‌شناسی، تفسیری و علوم روز، بررسی و ارزیابی کنیم و لغزش‌ها و آسیب‌های ترجمه‌ها را در این زمینه یادآور شویم.

### ۱. مراحل شکل‌گیری ابر، باران و تگرگ در قرآن کریم

مراحلی را که قرآن کریم قرن‌ها پیش، درباره تشکیل ابر و خصوصیات جوی آن یاد کرده است؛ دانشمندان در دهه‌های اخیر، با کمک وسایل پیشرفته مانند هواپیمای ماهواره و کامپیوتر کشف کرده‌اند. بدین صورت که با استفاده از این وسایل پیشرفته، به مطالعه بادهای، اندازه‌گیری رطوبت، تعیین سطح فشار اتمسفر و... پرداخته و به جزئیات شکل‌گیری ابرها و ساختمان و نحوه عمل آن‌ها پی برده‌اند.

در قرآن کریم، خداوند با استفاده از دو آیه، به خصوصیات دو نوع ابر مختلف که باران و تگرگ را نتیجه می‌دهد، اشاره کرده است: «اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَنُزِّلُ الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ» (الروم: ۴۸)

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِجَالًا فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيَصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقُهُ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ» (النور: ۴۳)

در این دو آیه به دو نوع ابر اشاره شده است که به نظر می‌رسد اولی باران حاصلخیز و مفید را نتیجه می‌دهد و در دومی باران رگباری و تگرگ. حال باید دید که آیا مترجمان در ترجمه‌های این دو آیه نیز تفاوتی بین مراحل تشکیل این دو نوع ابر قائل شده‌اند یا خیر؟ زیرا این نکته حائز اهمیت است که ترجمه صحیح از این دو آیه می‌تواند تمایز بین دو ابر را حاصل آورد و ترجمه ناصحیح، این نکته لطیف (مختلف بودن این دو نوع ابر) را می‌پوشاند و خواننده ترجمه به ظرافت و نکته علمی که در آیه مشهود است، پی نخواهد برد. از این رو با بررسی واژه‌های کلیدی در آیات و نگاهی به تفاسیر و دانش روز، به ارزیابی ترجمه‌ها می‌پردازیم.

## ۲. واژه شناسی

### ۲-۱. «کسف»

ریشه واژه «کسف» بر تغییر ظاهری چیزی به طوری که مورد پسند نباشد، دلالت می کند و معنای دیگر آن جدا کردن قطعه ای از چیزی می باشد و از همین باب است خسوف ماه که همان از بین رفتن نور آن است: «اصل یدلّ علی تغیر فی حال الشیء الی ما لا یحبّ، و علی قطع شیء من شیء. من ذلک خسوف القمر و هو زوال ضوئه» (ابن فارس، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۱۷۷)

راغب در معنای «کسف» چنین می نگارد: «قطعهُ من السحاب و القطن و نحو ذلک من الاجسام المتخلخله الحائله و جمعها کِسْفٌ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۷۱۱) تکه ای از ابر، پنبه و چیزهایی مشابه آن که دارای روزنه هایی می باشند و جمع آن «کِسْف» است. نیز خلیل بن احمد می نویسد: الِکَسْفُ قطع العرقوب بالسيف، قطعهُ سحاب أو قطعهُ قطن أو صوف (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۱۴). صاحب التحقیق پس از بررسی کتب لغوی، نظر ابن فارس را می پذیرد، البته با شرط اینکه تغییر و تحولی که در جسم حاصل می شود با انقطاع همراه باشد. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۵۷). زبیدی و ابن منظور نیز نظیر آنچه آمد را آورده اند. (زبیدی، ۱۳۰۶: ج ۶، ۲۳۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۹، ۳۰۰) بر این اساس در نظر هیچ یک از لغت شناسان، در واژه «کسف» مفهوم تراکم و انباشته شدن دیده نمی شود.

### ۲-۲. «یؤلف»

ریشه این واژه بر پیوستگی دو چیز به هم و همچنین پیوستگی اشیاء مختلف با هم، دلالت دارد. «ألفت القوم»؛ یعنی آن قوم را گرد هم آوردم: «ألف یدل علی انضمام الشیء الی الشیء و الاشیاء ایضاً» ألفت القوم: صیرتها الفاء (ابن فارس، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۳۱). برخی در معنی «ألف» پیوستن و اجتماع را همراه با دوستی و محبت می دانند. (فیومی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۸). نیز راغب می نویسد: «الإلف، الاجتماع مع الالتئام. و الألف العددالمخصوص و سمی بذلك لكون الأعداد فيه مؤتلفه» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۸۱).

ابن منظور نیز می‌نویسد: «أَلْفَتْ بَيْنَهُمْ تَأْلِيفًا إِذَا جَمَعْتَ بَيْنَهُمْ بَعْدَ تَفَرُّقٍ. وَ أَلْفَتْ الشَّيْءَ تَأْلِيفًا إِذَا وَصَلْتَ بَعْضَهُ بِبَعْضٍ وَ مِنْهُ تَأْلِيفُ الْكُتُبِ». (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۰). مرحوم مصطفوی نیز در اینباره می‌نویسد: «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ، هُوَ الْإِئْتِلَافُ أَيْ الْاجْتِمَاعُ مِلْتَمًا، وَ لَعَلَّ بِاعْتِبَارِ هَذَا الْمَفْهُومِ أُطْلِقَتْ كَلِمَةُ الْأَلْفِ عَلَى الْعِدَدِ الْمَعْيَنِ الْجَامِعِ بَيْنَ الْعَشْرَاتِ وَالْمِائَاتِ، أَيْ فَوْقَهَا». (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۳۶)

### ۲-۳. «برد»

این واژه ریشه چهار معنایی دارد. ۱- خلاف گرماست، ۲- ایستایی و ثبات، ۳- مخفی و نهان، ۴- حرکت و اضطراب: «بَرَدٌ، اَصُولُ أَرْبَعَةٍ: خِلَافُ الْحَرِّ، السُّكُونُ وَ الثَّبُوتُ، الْمَلْبُوسُ، الْاضْطِرَابُ وَ الْحَرَكَةُ» (ابن فارس، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۴۱). راغب نیز همه ریشه‌ها را به یک ریشه بر می‌گرداند و آن «سرما» است که نقطه مقابل گرما می‌باشد؛ البته ریشه‌هایی که ابن فارس درباره «برد» ذکر کرده است، هر کدام را به اعتباری از مصادیق «برد» می‌داند. وی معتقد است گاهی از لفظ «برد» معنی ذاتی آن تعبیر می‌شود چنانکه می‌گویند: «برد کذا» یعنی کاملاً سردش شد و «برد الماء کذا» یعنی آب این چنین سرد شد و گاه مفهوم ثبات از آن استفاده می‌شود. وی می‌نویسد: «برد کذا اذا ثبت ثبوت البرد»، یعنی سردش شد هنگامی که سرما ثبات پیدا کرد.

ایشان سپس موارد استعمال لفظ «برد» را درباره آیه مورد نظر چنین می‌نگارد: «البرد ما يبرد من المطر في الهواء فيصلب و بَرَدَ السَّحَابُ اخْتِصَّ بِالْبَرْدِ وَ سَحَابٌ أْبْرَدٌ وَ بَرْدٌ ذُو بَرْدٍ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۱۷). برد بارانی است که در اثر هوای سرد منجمد می‌شود و برد السحاب مخصوص به ابری است که تگرگ‌زا باشد و سحاب اَبْرَدٌ و بَرْدٌ یعنی ابری که دارای تگرگ باشد. نیز مرحوم مصطفوی درباره برودت در آب می‌نویسد: «فالبرودت في الماء أن يبرد الى أن يصل حد الانجماد فيقال له البرد». (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۲۴۷)

## ۲-۴. «رکام»

این واژه یعنی جمع و انبوه کرد چیزی بر بالای چیز دیگر: «الرکم، جمع شیئاً فوق شیء» (ابن فارس، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴۳۰). راغب لفظ «متراکم» را برای مفهوم «رکم» بیان می‌دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۶۵). جوهری در مفهوم «رکام» می‌نویسد: «الرکام الرمل المتراکم و كذلك السحاب و ما أشبهه» (جوهری، ۱۹۵۶، ج ۵، ص ۱۹۳۷) ایشان کاربرد «رکام» را درباره ریگ متراکم، ابر متراکم و چیزهای شبیه به آن می‌داند. ابن منظور نیز در اینباره می‌نویسد: «و فی التنزیل العزیز: ثمّ يجعله رکاماً یعنی السحاب. ابن الاعرابی: الرکم السحاب المتراکم. و فی حدیث الاستسقاء: حتی رأیت رکاماً الرکام: السحاب المتراکم بعضه فوق بعض». (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۵۱)

## ۳. بررسی دیدگاه‌های مفسران

در بررسی امر ترجمه توجه به دیدگاه مفسران از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا یکی از ابزارهای کار مترجمان در ترجمه‌های قرآن، استفاده از تفاسیر مختلف است، و این تفاسیر است که نقش مهمی در نگارش ترجمه ایفا می‌کند. پس اگر مفسر دقت لازم را در تفسیر آیات به کار نبرده باشد، مترجمانی هم که از این تفاسیر استفاده می‌کنند نیز دچار لغزش می‌گردند. در این قسمت دیدگاه مفسران درباره برخی نکات بحث برانگیز این دو آیه بیان می‌گردد. ابتدا دیدگاه برخی از مفسران شیعه آورده می‌شود و سپس به نظریات مفسران اهل سنت اشاره خواهد شد.

۱- صاحب مجمع البیان درباره مفهوم «کسف» از قول قتاده، جبائی و ابی مسلم سه تفسیر را ذکر می‌کند:

الف) قطعاً متفرقه<sup>۱</sup>: ابر قطعه قطعه<sup>۱</sup>

ب) متراکباً بعضه علی بعض حتی یغلظ: قرار گرفتن ابرها به صورت طبقه طبقه بر روی هم تا اینکه ضخیم گردند.

<sup>۱</sup> - صاحب تفسیر تبیان نیز می‌نویسد: «و يجعله کسفاً أى قطعاً». (طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۲۶۱)

ج) قطعاً تغطی ضوء الشمس: قطعه‌ای از ابر که نور خورشید را می‌پوشاند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۸۴)

ایشان در تفسیر جمله «وَيُنزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ» چنین می‌نویسد: «و از کوه‌های تگرگی که در ابر است تگرگ می‌فرستد. منظور از سماء ابر است. زیرا به هر چه بالای سر باشد و سطح بالا را بپوشاند، سماء گفته می‌شود. ممکن است تگرگ‌ها در ابر جمع شوند و به شکل کوه در آیند، سپس نازل گردند. برخی گویند: مقصود این است که خداوند به اندازه کوهی تگرگ از آسمان نازل می‌کند. زیرا وقتی که می‌گوییم مثلاً دو خانه از کاه، یعنی مقدار دو خانه از کاه. برخی گفته‌اند: مقصود این است که در همین آسمان، نه ابر، کوه‌هایی از تگرگ آفریده شده است». (همان، ج ۷، ص ۲۳۴)

۲- علامه طباطبایی «کسف» را جمع کِسْفَه به معنی قطعه می‌داند، و در توضیح مراحل تشکیل باران تا مرحله کِسْف چنین می‌نویسد: «خدا آن کسی است که بادها را می‌فرستد، و بادها ابرها را به حرکت در آورده، و منتشر می‌کند، و ابرها در جهت جو بالای سر شما گسترده گشته، هر جور که خدای سبحان بخواهد بسط می‌یابد و خدا آن‌ها را «یجعله قطعات متراکبه متراکمه» قطعه قطعه روی هم سوار، و درهم فشرده می‌کند. سپس می‌بینی که مقداری باران از شکاف ابرها بیرون می‌آید». (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۲۰۱)

۳- نویسندگان تفسیر نمونه نیز با دیدگاه علامه طباطبایی موافقت و منظور از «یجعله کسفا» را قرار دادن ابر به صورت قطعات متراکم می‌دانند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۶۸)<sup>۱</sup>

۴- صاحبان تفاسیر کشاف، مفاتیح الغیب، روح المعانی، محاسن التأویل، تفسیر مراغی و الجواهر «یجعله کسفا» را به «قطعاً تارة اخرى» و یا مشابه آن تفسیر می‌کنند؛ یعنی بار دیگر ابر تکه تکه می‌شود. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۸۵؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۵، ص ۱۰۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۸۲؛ قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۸، ص ۲۰؛ مراغی، بی تا، ج ۲۱، ص ۶۱؛ طنطاوی، ج ۱۵، ص ۷۷)

<sup>۱</sup> - صاحب تفسیر نورالثقلین نیز از قول تفسیر علی بن ابراهیم می‌نویسد: «و یجعله کسفا قال: بعضه علی بعض».

(عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۹۱).



۵- در تفسیر فی ظلال القرآن آمده است: و يجعله كسفاً... بتجمیعه و تكثیفه و تراكمه بعضه فوق بعض (سید بن قطب، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۲۷۷۵) یعنی با جمع شدن و انبوه و متراکم شدن بعضی بالای بعضی دیگر، آن را کسف قرار داد. همچنین صاحب تفسیر الفرقان در معنای "و يجعله كسفاً" می نویسد: قطعاً ركاماً فوق بعض (صادق تهرانى، ۱۳۶۵، ج ۲۳، ص ۱۹۹) که منظورش از کسف قطعه متراکمی است بالای قطعه ای دیگر.

۶- ابن عاشور «كسف» را در مقابل «بسط» قرار می دهد و به آیات «أَوْ تُسْقِطُ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا كِسْفًا...» (الاسراء: ۹۲)؛ آنچنان که می پنداری قطعه ای از آسمان بر ما فرود آری و «فَأَسْقِطُ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (الشعراء: ۱۸۷)؛ پس اگر از راستگویان می باشی، قطعه ای از آسمان بر ما بیفکن، استناد می کند و در پایان نتیجه می گیرد که چون در ابتدا این ابرها بسیط، پهن و گسترده بوده اند، زمانی که این گستردگی را از دست داده و پاره پاره شوند به «كسف» تبدیل شده اند. (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۱، ص ۷۳)

ایشان در تفسیر «و يُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ...» مراد از جبال را ابر می داند؛ ولی اطلاق جبال به سحاب را از باب تشبیه در نظر گرفته اند و این تشبیه را همانند این می داند که بگوئیم فلانی کوه علم است، یعنی علمش زیاد است. بنابراین منظور آیه هم از بیان جبال، کثرت ابر است.<sup>۱</sup>

#### ۴. دیدگاه دانش نوین

ابرها از نظر شکل دارای نظم و نظام خاصی هستند با اینکه همه ابرها از صعود هوای مرطوب و سپس خنک شدن آن‌ها به وجود می آیند و در نوع ماده تشکیل دهنده با همدیگر فرقی ندارند؛ ولی هر یک دارای شکل و فرم مخصوص به خود هستند و هر یک کار خاصی انجام می دهند. (حمیدی کلیجی، ۱۳۸۶، ص ۴۰؛ جعفرپور، ۱۳۷۱، ص ۱۹۱)

<sup>۱</sup> - «المراد بالجبال سحاب أمثال الجبال و إطلاق الجبال فی تشبیه الكثرة معروف. يقال: فلان جبل علم و طود علم» (ابن

بنابراین ابرها برحسب طرز تشکیل، ساختمان، شکل ظاهری، تکامل و خواص دیگر کاملاً از یکدیگر متمایزند. (جوادی، ۱۳۷۳، ص ۵)

ساده‌ترین و مناسب‌ترین طریقه تمایز ابرها این است که ابرهای توسعه یافته در جهت عمودی از سایر ابرها جدا شوند. سایر ابرها یعنی آن‌هایی که ضخامتشان کم است و در ابعاد افقی گسترش بیشتری یافته‌اند. (استین، ۱۳۶۶، ص ۱۳۸) بر اساس *اطلس بین‌المللی ابرها* که توسط سازمان جهانی هواشناسی<sup>۱</sup> در سال ۱۹۵۶ تهیه شده است، ابرها به ۱۰ شکل یا جنس طبقه بندی شده‌اند. (علیزاده، ۱۳۷۹، ص ۱۳۸) ولی در بین تمام گروه‌های ابری، دو دسته اصلی دارای اهمیت فراوانی است که بارش را نتیجه می‌دهد: ابرهای استراتوس<sup>۲</sup> (نوع لایه‌ای) و کومولوس<sup>۳</sup> (نوع توده‌ای).

ابرهای استراتوس دسته‌ای است که در اثر حرکت تدریجی هوای نمناک، به صورت ورقه یا لایه‌هایی از ابر به وجود آمده که نواحی وسیعی از آسمان را می‌پوشاند و به ابرهای پوششی (لایه‌ای) نیز معروف است. (رتالاک، ۱۳۶۵، ص ۱۴۱) ابرهای لایه‌ای یا استراتوس غالباً در ارتفاعات کم، گسترش یافته و قطعه قطعه می‌شوند. در حالت قطعه قطعه شدن، این ابر را فراکتواستراتوس می‌نامند. قطر این ابرها در همه جا یکسان است. (جعفرپور، ۱۳۸۱، ص ۱۸۴)

این ابرها از کنار افق به شکل پنجه یا گوی‌های کوچک ظاهر می‌گردند، که به صورت توده‌های پنبه مانند شفاف می‌باشند، و پس از اینکه سطح وسیعی از آسمان را پوشاندند معمولاً بارندگی شروع می‌شود. (قطبی، ۱۳۶۱، ص ۱۲۷؛ فرهنگ، ۱۳۵۵، ص ۶۱). ابرهای لایه‌ای چون ضخامت چندانی ندارند و برخوردارهایی که سبب درشت شدن قطرات می‌شود در آنها به وقوع نپیوسته است؛ دانه‌های اصلی باران در این نوع ابرها، خیلی ریز و در عین حال نافذ، خیس کننده و مفید برای حاصل خیزی می‌باشد. (بازرگان، ۱۳۴۳، ص ۱۳۵) در نتیجه فاقد شرایط بارندگی‌های رگباری است. (جعفرپور، ۱۳۸۱، ص ۱۸۴)

<sup>۱</sup> - world Meteorological Organization (WMO)

<sup>۲</sup> - stratus.

<sup>۳</sup> - cumulus.

مشاهدات چشمی و عکاسی‌ها نشان داده‌اند که توده‌های ابری که ظاهراً شکل خود را ثابت نگاه می‌دارند، در واقع ترکیبی از پاره ابرهایی هستند که آن‌ها را تشکیل داده‌اند و به وسیله باد از یک طرف به توده‌های ابر ملحق شده و از طرف دیگر از آن مجزا و خارج می‌شوند. (جوادی، ۱۳۸۲، ص ۲۸) بدین ترتیب مشاهده می‌شود که بادهای افقی باعث قطعه قطعه شدن ابرهای باران‌زا می‌گردد.

ابرهای کومولوس (توده‌ای) عامل تولید باران، تگرگ، رعد و برق (نور) هستند. هرگاه در اثر شرایط مساعد مانند گرم شدن سطح زمین یا جریان هوای ملایم در قسمت فوقانی و یا تشدید حرکات جابجایی به وسیله ناهمواری‌ها، بر ناپایداری هوا افزوده شود، ابرهای بزرگی به وجود می‌آید. این ابرها به وسیله رأس خود که برآمده می‌باشد و رنگ شفاف با بافت فیبری (بلورهای یخ) و قاعده تیره‌شان به سهولت شناخته می‌شوند. (استین، ص ۱۳۸) ابرهای کومولونیمبوس در هوای ناپایدار ایستا تشکیل می‌شوند، این ابرها از لحاظ دینامیکی فعال هستند. بدین معنی که نیروهای شناوری، گسترش عمودی آن‌ها را تقویت می‌کنند. قطر این ابرها، تقریباً برابر با ارتفاع آن‌ها از سطح زمین است. (علیجانی، ۱۳۷۱، ص ۲۶۰)

این ابرها ارتفاع قابل ملاحظه‌ای دارند که از ۳/۲ تا ۸ کیلومتر نیز می‌تواند صعود داشته باشد. رعد و برق از خصوصیات این ابرهاست و به همین دلیل به ابرهای کومولونیمبوس، توفان‌های تندری هم می‌گویند که به شکل مناره هستند. (علیزاده، ۱۳۷۹، ص ۳۸) آن‌ها سنگین و متراکم و با رشد قابل ملاحظه عمودی به شکل کوه و برج‌هایی عظیمی می‌باشند. کومولوس از فاصله دور به شکل توده ابر بسیار عظیم و مرتفع دیده می‌شود. این ابرها طوفان‌زا هستند که وجودشان معمولاً همراه با تاریکی، رگبار شدید و تگرگ است. (فرهنگ، ۱۳۵۵، ص ۶۸) بنابراین ریزش تگرگ ملازم با تکوین ابرهای انباشته شده فشرده بلند قامت است. (بازرگان، ۱۳۶۵، ص ۳۱۰)

آنها طی مراحل زیر، باران ایجاد می‌کنند:

مرحله اول) حرکت ابرها توسط باد. هنگامی که باد، برخی قطعات کوچک ابرها (قطعه ابرهای کومولوس) را به ناحیه‌ای که ابرها در آنجا همگرا می‌شوند، حرکت می‌دهد که با تشکیل ابرهای توده‌ای آغاز می‌شود.

مرحله دوم) پیوند ابرهای کوچک‌تر به یکدیگر و تشکیل ابرهای بزرگ‌تر. پاره ابرها از نظر الکتریسته، دما، غلظت بخار آب و ترکیبات و غیره با هم فرق می‌کنند. وقتی این پاره‌ها به هم می‌پیوندند، توده هوای سرد به سرعت به زیر هوای گرم مرطوب رانده شده و آن‌گاه هوای گرم به سرعت به روی هوای سرد لغزیده و در نتیجه، انتقال حرارتی شدیدی به سوی بالا رخ خواهد داد و ابر توسعه می‌یابد. حرکت و رشد عمودی به سمت بالا در ابرهای بزرگ صورت می‌گیرد که این پدیده در مرکز ابرها بیشتر از لبه‌ها و کناره‌های آن رخ می‌دهد و سپس این رشد رو به بالا، موجب کشیده شدن توده‌ی ابر به بالا و رسیدن به ناحیه سردتر اتمسفر (جو) که محل تشکیل قطره‌های آب و تگرگ است، می‌شود.

مرحله سوم) تشکیل باران و تگرگ. هرگاه در چنین ابرهایی قطره‌های بزرگ منجمد باران یا هر ذره دیگری (حتی حشرات) به عنوان جنین عمل نمایند و از طریق تجمع قطرک‌های مایع فوق سرد، رشد کنند، تگرگ تولید می‌شود. حدود یک میلیون قطرک ابر برای تشکیل یک قطره باران لازم است؛ اما حدود ده میلیارد قطرک ابر برای تشکیل یک دانه تگرگ به اندازه توپ بیس بال لازم است وجود داشته باشد. برای اینکه یک دانه تگرگ تا این اندازه رشد کند، بایستی بین ۵ تا ۱۰ دقیقه در ابر باقی بماند. جریانات شدید هوا در داخل ابر جنین‌های کوچک را به بالای سطح انجماد حمل می‌نمایند. همانطور که جنین‌ها از میان مناطق با محتوای آب متفاوت عبور می‌کنند، روکشی از یخ در اطراف آن‌ها تشکیل می‌شود و آن‌ها بزرگ و بزرگ‌تر می‌شوند. وقتی ذرات یخ به طور محسوس از نظر اندازه بزرگ شدند، به قدری سنگین می‌شوند که توسط هوای در حال صعود حمایت نمی‌شوند و به صورت تگرگ شروع به ریزش می‌کنند. (نظرزاده، ۱۳۸۵، صص ۳۴۰-۳۴۶؛ فلاح قالهری، ۱۳۹۰، ص ۲۹۶)

در طوفان‌های شدید رگباری یا تگرگی، ابرها از بالای جو تا نزدیک‌های زمین را می‌پوشاند، در تلاطم‌ها مرتباً الکتریسته ایجاد و تخلیه شده، جهش برق و غرش رعد پی

در پی، زمین و هوا را به لرزه در می آورد، و بالاخره ابرهایی که در طبقات پایین و غلیظ جو متراکم گردیده و در اثر بادهای تکان دهنده بالابر حامل دانه‌های درشت و فراوان شده‌اند و بسیار ثقیل می‌باشند، شروع به بارش می‌کنند. (بازرگان، ۱۳۴۳، ص ۱۴۱)<sup>۱</sup>

## ۵. ترجمه‌های منتخب از آیات

«اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فترى الودقَ يخرجُ مِنْ خِلالِهِ» (الروم: ۴۸)

- ۱- آیتی: خداست که بادهای را می‌فرستد تا ابرها را برانگیزد و چنان که خواهد بر آسمان بگسترده، و آن را پاره پاره کند و بینی که باران از خلال ابرها بیرون می‌آید...
- ۲- بهبودی: او همان خدایی است که بادهای را گسیل می‌دارد و بادهای ابرها را می‌شوراند و در آسمان می‌گسترده آنچنانکه که خدا بخواهد و گاه آن را پاره پاره چونان صخره در آسمان روان می‌دارد. می‌بینی که ذرات آب از خلال ابرها بیرون می‌خزد و باران می‌زاید...
- ۳- پاینده: خداست که بادهای را می‌فرستد که ابرها برانگیزد و آنرا چنانکه خواهد در آسمان بگستراند و پاره پاره کند و باران را بینی که از خلال آن برون می‌شود...
- ۴- رضایی: خدا کسی است که بادهای را می‌فرستد و ابری را بر می‌انگیزند، و آن را در آسمان، هر گونه که بخواهد، می‌گستراند و آن را قطعه قطعه می‌گرداند، پس باران را می‌بینی در حالی که از بالای آن خارج می‌شود...
- ۵- شعرانی: خدا آنست که می‌فرستد بادهای را پس بر می‌انگیزد ابر را پس پهن میکند در آسمان چگونه که می‌خواهد و میگرداندش پاره‌ها پس می‌بینی باران را که بیرون می‌آید...
- ۶- صادقی: خداست که بادهای را می‌فرستد، پس آن را در آسمان- هر گونه که خواهد- می‌گستراند و انبوهش می‌گرداند پس می‌بینی دانه‌های باران از خلالش بیرون می‌آید...

<sup>۱</sup> - جهت کسب اطلاعات بیشتر ر.ک: (منیر فارس، ۱۴۳۱، ص ۱۵۷؛ زغلول النجار، ۲۰۰۷، صص ۴۶۱-۴۶۷)

۷- فولادوند: خدا همان کسی است که بادها را می‌فرستد و ابری برمی‌انگیزد و آن را در آسمان- هر گونه بخواهد- می‌گستراند و انبوهش می‌گرداند، پس می‌بینی باران از لابلای آن بیرون می‌آید...

۸- مکارم شیرازی: خداوند همان کسی است که بادها را می‌فرستد تا ابرهایی را به حرکت در آورند، سپس آن‌ها را در پهنه آسمان آن گونه که بخواهد می‌گستراند و متراکم می‌سازد در این هنگام دانه‌های باران را می‌بینی که از لا به لای آن خارج می‌شود...

## ۶. بررسی تفاسیر و ترجمه‌ها

برای بررسی ترجمه‌ها و انتخاب ترجمه درست‌تر باید آرای تفسیری را نیز مورد بررسی و مذاقه قرار دهیم:

۱- چنانکه گذشت، مرحوم طبرسی از قول جبایی و علامه طباطبایی و آیت الله مکارم شیرازی همچین صاحبان تفاسیر فی ظلال و الفرقان واژه «کسف» را به معنی قطعات متراکم و روی هم انباشته شده ابر تلقی کرده‌اند؛ در صورتی که در معنای لغوی این واژه مفهوم انبوه و متراکم شدن اساساً وجود ندارد. (ر.ک: ابن فارس، ج ۵، ص ۱۷۷؛ راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۷۱۱)

پس باید دید چرا مفهوم انباشته شدن در تفسیر آیه قرار داده شده است؟ ممکن است تصور شود مفهوم لغوی «کسف» با مفهوم اصطلاحی قرآنی آن متفاوت است؛ ولی تنها قرینه بر این تفاوت تعبیر وارد شده در قرآن، در دو آیه است که در یکی «يَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ» و در دیگری «يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ» می‌باشد. چنانکه ملاحظه می‌شود در دو آیه جعل ابر و خروج ودق مطرح است؛ ولی در یکی «کسف» و در دیگری «رکام» آمده، که شاید تصور شود مفهوم کسف همان رکام است که به معنی متراکم می‌باشد. ولی به نظر می‌رسد این دو آیه به دو نوع ابر و دو نوع بارش اشاره دارد. ذیل آیه ۴۸ روم بحث بشارت و خوشحالی بندگان خدا مطرح است که معلوم می‌شود مراد از «ودق» باران حاصلخیز و مفید است، ولی ذیل آیه ۴۳ نور بحث

تگرگ و رعد و برق و صدمه دیدن دیدگان مطرح است که معلوم می‌شود مفهوم «ودق» باران رگباری و همراه با تگرگ که نوعاً صدمه زننده می‌باشد، مطرح است.

بنابراین با توجه به قرینه ذکر شده ذیل آیات مورد نظر و با توجه به آیات دیگری که واژه «کسف» در آن‌ها آمده و در آنجا مفهومی جز قطعه ابر استفاده نمی‌شود (الاسراء: ۹۲؛ الشعراء: ۱۸۷) و نیز با توجه به واقعیت خارجی موجود در دانش جدید درباره ابرهای لایه‌ای غیر متراکم و بسط یافته که باران مفید را نتیجه می‌دهند، باید گفت همچنانکه در مفهوم لغوی و نیز اصطلاحی و قرآنی «کسف» مفهوم تراکم وجود ندارد؛ ترجمه‌ای صحیح‌تر است که برای واژه «کسف» مفهوم تراکم را نیآورده باشد.

۲- در تفسیر مجمع البیان ذیل آیه ۴۳ سوره نور مرحوم طبرسی سه نکته را بیان کرد:  
الف) تگرگ‌ها در ابر جمع می‌شوند و به شکل کوه در می‌آیند: «يجوز ان يكون البرد يجتمع في السحاب كالجبال» (طبرسی، ج ۷، ص ۲۳۴) که به نظر می‌رسد سخن درست این است که ابرها به شکل کوه در می‌آیند نه تگرگ‌ها و این نکته در ترجمه تأثیرگذار است.  
ب) ایشان سماء را به معنی ابر گرفته‌اند: «السماء السحاب لان كل ما علا مطبقا فهو سماء»، ولی اگر مراد از سماء ابر باشد عبارت «من جبال» چه مفهومی خواهد داشت؟ به نظر می‌رسد مراد از آسمان جهت فوق و مراد از جبال ابرها باشند.

ج) نویسنده با توجه به دیدگاه برخی، درباره «من جبال فيها من برد» آورده است که به اندازه کوهی، تگرگ از آسمان نازل می‌شود «و ينزل من السماء مقدار جبال من برد»؛ که به نظر می‌رسد که در این دیدگاه، که البته مرحوم طبرسی آن را تأیید یا رد نکرده است، برای «جبال» جنبه کنایی در نظر گرفته‌اند، در صورتی که با کمک علم جدید و رؤیت عینی ثابت شده است که به وجود آمدن تگرگ‌های درشت و سنگین در صورتی امکان پذیر است که توده‌های ابر متراکم و ضخیم گردند، و باد و طوفان دانه یخ زده تگرگ را به میان ابرها پرتاب می‌کند تا مقدار بیشتری آب به خود جذب نماید، و این تنها در آنجاست که توده‌های ابر بسان کوه‌های مرتفع اوج گیرند و منبع قابل ملاحظه‌ای برای تشکیل

تگرگ شوند. در حقیقت سطح بالای این ابرها برجستگی مدوری شکل داشته و در قسمت قاعده تقریباً افقی می‌باشند.<sup>۱</sup>

بر اساس دانش نوین ذکر شده، نکته قابل توجه این است که ابری که تگرگ دارد باید کوهی شکل باشد، به دیگر سخن ابرهایی که کوهی شکل نباشند، تگرگی ندارند. در تفسیر التحریر و التئویر که باز هم تنها شباهت بین کوه و ابر را در عظمت و بزرگی یاد کرده است، نیز شاهد نوعی تشبیه هستیم که با توجه به توجیه علمی که گذشت، این موضوع هم نمی‌تواند مورد قبول واقع شود. ممکن است گفته شود که مفهوم کوه، همان ارتفاعات محسوس و مورد مشاهده انسان است که بر روی زمین قرار دارد؛ ولی به نظر می‌رسد چنین نباشد؛ زیرا ابن فارس آن را به معنی تجمع شیء توأم با ارتفاع دانسته است. (ابن فارس، ج ۱، ص ۵۰۲) همین معنی را مصطفوی در التحقیق (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۴۷) نیز آورده است. بنابراین لزومی ندارد که به تصور اینکه جبل به معنای کوه‌هایی از سنگ و شن است، بخواهیم جنبه کنایی یا تشبیهی برای آن در نظر بگیریم. اینک در آیه ۴۸ سوره روم، با توجه به مفهوم «کسف» ترجمه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) ترجمه «کسف» به پاره پاره: آیتی، بهبودی، رضایی و شعرانی

ب) ترجمه «کسف» به انبوه یا متراکم: صادقی، فولادوند، مکارم

همان طور که در بحث واژه شناسی گذشت، «کسف» به معنای تغییر ظاهری همراه با انقطاع می‌باشد. در آیه مورد بحث ابتدا سخن از گسترده و پهن کردن ابر در آسمان آمده است و در مرحله بعدی خداوند، قرار دادن ابر به صورت «کسف» را عنوان کرده است. با توجه به معنای لغوی «کسف»، اگر بخواهیم از حالت انبساط و گستردگی که در ابر به وجود آمده است، تغییر حالتی همراه با انقطاع حاصل شود، به لغت «پاره پاره» که در برخی ترجمه‌ها از آن استفاده شده است، می‌رسیم.

۱- جهت کسب اطلاعات بیشتر ر.ک: (فرهنگ اصول هواشناسی، ۱۳۵۵، صص ۵۵-۶۸؛ جوادی شفیع، ۱۳۷۳،



دلیل دیگری که این معنا را تأیید می‌کند، دانش روز است. زیرا مراحل تشکیل باران در این آیه با مراحل تشکیل ابرهای لایه‌ای باران‌زا هماهنگ است و این ابرها، با ابرهای توده‌ای که در آیه ۴۳ سوره نور بیان شده است، متفاوت می‌باشد زیرا ضخامت چندانی ندارند، بنابراین انبوه و متراکم نیستند.

از این رو ترجمه‌های صادقی، فولادوند و مکارم که «کسف» را متراکم و انبوه ترجمه کرده‌اند گرفتار دو نوع آسیب علمی است: الف) آسیب واژه‌شناسی در اثر عدم دقت در مفهوم لغوی، ب) آسیب در اثر عدم مراجعه به علوم تجربی تخصصی و بسنده کردن به اطلاعات شخصی و عمومی.

شاید این ترجمه‌ها، آیه مورد بحث را همانند آیه ۴۳ سوره نور دانسته‌اند که در آنجا «رکام» معنای متراکم می‌دهد، لذا تصور شده است که این آیه نیز ممکن است مفهوم انبوه شدن را داشته باشد و بر اساس آن اینچنین ترجمه کرده‌اند. اینک در آیه «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَّامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ» (النور: ۴۳) با توجه به واژه‌های «یؤلف»، «رکام» و عبارت «من جبال فیها من برد» ترجمه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- مترجمان فعل «یؤلف» را به دو گونه ترجمه کرده‌اند:

الف) به هم پیوستن (آیتی، پاینده، رضایی، صادقی، فولادوند، مکارم)

ب) فراهم آوردن (بهبودی، شعرانی)

در معنای لغوی این واژه «پیوستگی دو چیز یا چند چیز به هم» وجود دارد؛ از طرفی با مراجعه به دیدگاه دانش نوین به این نکته پی می‌بریم که ابرها از نظر الکتریسته، دما و غلظت بخار آب و ترکیبات و غیره با هم فرق می‌کنند. بنابراین خداوند متعال با به کار بردن واژه تألیف اهمیت پیوند میان این اجزای متفاوت را بیان می‌دارد و در ترجمه‌ها نیز مجموعه الف با فعل «به هم پیوستن» این معنا را بهتر منتقل می‌کند.

۲- درباره واژه «رکام» که معنای متراکم و انبوه را می‌رساند تمامی ترجمه‌ها به درستی

عمل کرده‌اند.

۳- در عبارت «من جبال فیها من برد» در ترجمه کلمه «من» در «من برد» مترجمان دچار اختلاف شده‌اند؛ بدین گونه که «من»، بیانیه باشد و یا زائده و یا تبعیضیه. در این میان برخی «من» را بیانیه در نظر گرفته‌اند، همانند شعرانی: «و فرو می‌فرستد از آسمان از کوه‌هایی که باشد در آن از تگرگ». برخی نیز «من» را زائده در نظر گرفته‌اند که هفت ترجمه منتخب «من» را زائده دانسته‌اند. به عنوان نمونه ترجمه رضایی: «از کوه‌های (ابر) که در آن است تگرگی فرو می‌فرستد».

به نظر نگارنده نیز ترجمه‌های گروه دوم پذیرفتنی تر است، زیرا اگر «من» را بیانیه در نظر بگیریم، بر این اساس مفعول «ینزل» محذوف است و آن کلمه «بردا» می‌باشد که از قرینه کلام باید فهمیده شود. ولی اگر «من» را زائده بگیریم «برد» مفعول است و نیاز به تقدیر گرفتن مفعول محذوف نمی‌باشد. حال در ترجمه عبارت «و ینزل من السماء من جبال فیها من برد» براساس روش‌های ترجمه، به بررسی ترجمه‌ها می‌پردازیم.<sup>۱</sup>

#### الف) روش تحت اللفظی

آیتی: از آن کوه‌ها که در آن جاست تگرگ می‌فرستد.

پاینده: از کوه‌ها که در آن است تگرگی نازل می‌کند.

شعرانی: و فرو می‌فرستد از آسمان از کوه‌هایی که باشد در آن از تگرگ

#### ب) روش ترجمه معنایی

رضایی: از کوه‌های (ابر) که در آن است تگرگی فرو می‌فرستد.

صادقی: از کوه‌هایی (از یخ) که در آنجاست تگرگی فرو می‌ریزد.

فولوند: از کوه‌هایی (از ابر یخ زده) که در آنجاست تگرگی فرو می‌ریزد.

<sup>۱</sup> - مهمترین روش‌های ترجمه سه گونه است: (۱) ترجمه تحت اللفظی: در این نوع ترجمه، ساختارهای دستوری زبان مبدأ به شبیه‌ترین معادلها آنها در زبان مقصد تغییر داده می‌شوند. (۲) ترجمه معنایی: در این شیوه سعی می‌شود تا خصوصیات لفظی متن اصلی در حد امکان حفظ شود و در پیام اصلی متن چنانچه احتیاج به توضیحات اضافی و تفسیری باشد، در داخل پرانتز، گروه یا پاورقی بیان گردد تا معنا به خوبی روشن شود. (۳) ترجمه تفسیری: در این ترجمه موضوع جدای از حالت یا به عبارتی محتوا، بدون قالب متن اصلی بازنویسی می‌شود. برای آگاهی بیشتر ر.ک: (رضایی اصفهانی، منطق قرآن، صص ۲۹۵-۲۹۸).

مکارم: از کوه‌هایی که در آن است [ابرهایی که همچون کوه‌ها انباشته شده‌اند] دانه‌های تگرگ نازل می‌کند.

(ج) ترجمه تفسیری

بهبودی: از صخره‌هایی که در آسمان است تگرگ آتشین، نازل می‌کند.

## ۶-۱. آسیب شناسی ترجمه‌ها

در مجموعه (الف) امانت در نقل مطلب رعایت شده است که از نقاط قوت آن می‌باشد، ولی این آیه چون به مسئله «جبال» اشاره دارد و از نظر مخاطب عام، جبال در زمین وجود دارد، حال آنکه در این آیه، خداوند جبال در آسمان را مطرح می‌کند، لذا این آیه دچار ابهام اولیه می‌شود و برای رفع ابهام نیاز به توضیح می‌باشد، از این رو لازم است تا توضیح مختصری در پرانتز اضافه شود.

در مجموعه (ب) اضافات تفسیری داخل پرانتز نوشته شده است و این از امتیازات این ترجمه‌ها می‌باشد. از میان اضافات تفسیری ترجمه رضایی مقبول‌تر است؛ زیرا آیه اشاره به متراکم و انبوه شدن ابر می‌کند و در ادامه از این ابر متراکم به شکل کوه، تگرگ فرو می‌ریزد؛ نه از کوهی از یخ.

در مجموعه (ج) که شامل ترجمه بهبودی می‌باشد، ترجمه با توضیحات اضافی مخلوط شده، و ممکن است مخاطب، تگرگ آتشین را سخن اصلی متن در نظر بگیرد. در حالی که «برد» تگرگ معنا می‌دهد و قرینه‌ای برای آتشین بودن - به هر مفهومی که مترجم از آتشین اراده کرده باشد - در لغت وجود ندارد.

## نتیجه گیری

۱- در ترجمه آیات علمی حوزه زیست‌شناسی، نه حوزه‌های دیگر از قبیل حوزه آیات کیهان‌شناخت، پزشکی و... که نحوه ترجمه صحیح آنها به گونه‌ای دیگر می‌باشد، مشاهده شد که چون هماهنگی علم جدید در این حوزه با پاره‌ای از آیات علمی به اثبات رسیده است، و در قرن‌های اخیر علوم تجربی تکامل یافته و رازهای علمی قرآن را آشکار

نموده است، بنابراین اگر آیه اشاره به نکته‌ای علمی داشته باشد و به راستی لفظ قرآن بر آن دلالت کند، می‌توان برای برطرف کردن ابهام آیه، از توضیحات اضافی صحیح علمی، و نه هر برداشت علمی غیرقطعی، با استفاده از اصول و ضوابط ترجمه بهره برد.

۲- با بررسی سخن لغت دانان در واژه «کسف»، ترجمه‌ای دقیق‌تر است که مفهوم تراکم را در ترجمه آیه نیاورده باشد.

۳- به نظر می‌رسد با توجه به ابهام در واژه «جبال»، ترجمه‌ای رساتر باشد که در آن توضیح مختصری در پراکنش داشته باشد.

۴- برخی ترجمه‌ها با اضافات تفسیری ارائه شده‌اند که به نظر می‌رسد ترجمه آقای رضایی دقیق‌تر است زیرا توضیح اضافی وی صحیح و علمی می‌باشد.

۵- در ترجمه آقای بهبودی که از واژه تگرگ آتشین استفاده کرده، به هیچ وجه با لغت «برد» سازگاری ندارد.

۶- با بررسی دو آیه مذکور، این نتیجه حاصل شد که در ترجمه آیات علمی نیاز به دقت و بازنگری ویژه می‌باشد، امری که برخی ترجمه‌ها فاقد آن هستند.

۷- با توجه به مطالبی که در این مقاله بیان شد به عنوان پیشنهاد و راهبرد عملی برای محققان در لغزش‌یابی از ترجمه آیات علمی حوزه زیست‌شناخت می‌توان ترجمه‌های مترجمان را علاوه بر استفاده از ابزار لغت و تفسیر، با مؤید دیدگاه‌های نوین علمی قطعی در بوته نقد قرار داده و ارزیابی کرد.

## منابع

### -قرآن کریم

- استین، پ، (۱۳۶۶ش)، **آب و هواشناسی**، ترجمه عبدالحمید رجایی، تبریز: انتشارات نیما.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- آیتی، عبدالمحمد، (۱۳۷۴ش)، **ترجمه قرآن**، چاپ چهارم، تهران: نشر سروش.
- ابن عاشورا، (بی تا)، **التحریر و التنویر**، تونس: دارسحنون.

- ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۳۶۶ق)، **معجم مقاییس اللغة**، مصحح عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دارالحياء الكتب العربيه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، چاپ سوم، بیروت: دارالعلم.
- بازرگان، مهدی، (۱۳۴۳ش)، **باد و باران در قرآن**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۶۵ش)، **پدیده‌های جوی**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بهبودی، محمد باقر، (۱۳۶۹ش)، **معانی القرآن**، تهران: خانه آفتاب.
- پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۵ش)، **قرآن مجید**، تهران: انتشارات گوتنبرگ.
- جعفرپور، ابراهیم، (۱۳۷۱ش)، **اقلیم شناسی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جوادی، شفیق، (۱۳۷۳ش)، **اطلس ابرها**، تهران: موسسه ارشاد.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۹۵۶م)، **الصاحح: تاج اللغة و صحاح العربيه**، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، مصر: دارالكتاب العربی.
- حمیدی کلیجی، سعید، (۱۳۸۶ش)، **قرآن و طبیعت**، قم: نشر حلم.
- حویزی، عبدالعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، **تفسیر نورالثقلین**، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- رتالاک، بی. جی. (۱۳۶۵ش)، **هواشناسی فیزیکی**، ترجمه سیدعلیرضاصادقی حسینی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت: دارالكتاب العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، **المفردات فی غریب القرآن**، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم الدار.
- زبیدی، محمد مرتضی، (۱۳۰۶ق)، **تاج العروس**، مصر: المطبعة الخیریه.
- سیدبن قطب، ابراهیم شاذلی، (۱۴۱۲ق)، **فی ظلال القرآن**، بیروت: دارالشرق.
- شعرانی، ابوالحسن، (۱۳۵۲ش)، **دایرة المعارف لغات قرآن مجید**، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵ش)، **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن**، قم: فرهنگ اسلامی.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۷)، **ترجمه قرآن**، قم: نشر شکرانه.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.

- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
- طنطاوی، ابن جوهری، (۱۳۹۴ق)، **الجواهر فی تفسیر القرآن**، بیروت: المكتبة الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، **التبیین فی تفسیر القرآن**، تحقیق احمد قیصر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- علیجانی، بهلول، (۱۳۷۱)، **مبانی آب و هواشناسی**، تهران: سروش.
- علیزاده، امین و دیگران، (۱۳۷۹)، **هوا و اقلیم شناسی**، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله عمر، (۱۴۲۰ق)، **مفاتیح الغیب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فرهنگ، اردشیر، (۱۳۵۵ش)، **اصول هواشناسی**، تهران: سازمان هواشناسی کشور.
- فلاح قاهری، غلام عباس، (۱۳۹۰ش)، **اصول و مبانی هواشناسی**، مشهد: پژوهشکده اقلیم شناسی.
- فولادوند، محمد مهدی، (۱۳۷۹ش)، **ترجمه قرآن کریم**، تهران: هیئت علمی دارالقرآن الکریم.
- فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۰۵ق)، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**، قم: مؤسسه دارالهجره.
- قاسمی، جمال الدین، (۱۴۱۸)، **محاسن التأویل**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- قطبی، محمد حسن، (۱۳۶۱ش)، **هواشناسی عمومی**، تهران: سازمان هواشناسی کشور.
- مراغی، احمد مصطفی، (بی تا)، **تفسیر المراغی**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نظرزاده، مهدی، (۱۳۸۵ش)، **«اسرار و معجزات علمی قرآن درباره آب و آب شناسی»**، مجموعه مقالات قرآن و علوم طبیعی، تهران: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.